



گفت و گو با مهوش صبرکن درباره زندگی شخصی و هنری اش

همسرم یک بار هم سفارشم را نکرده است!

خانم بزرگ (طاهره) را به من دادند، هرچه فکر کردم دیدم قبلا حتی شبیه چنین نقشی را هم بازی نکرده‌ام. خیلی تحقیق و مطالعه کردم. یادم آمد که در زمان سکونت در شیراز خانمی را می‌شناختم که سن و سال دار بود. هر روز می‌آمد در کوچه می‌نشست و قلبان می‌کشید و با همسایه‌ها صحبت می‌کرد. احساس کردم که شخصیت طاهره در سریال چقدر شبیه آن زن است.

[۱] یکی دیگر از بازی‌های ماندگارتان به سریال «خانه‌ای در تاریکی» و ایفای نقش همسر یکی از خان‌های بختیاری برمی‌گردد.

بله، نقش رئیس ایل را آقای مجید مظفری بازی می‌کرد. آقای سعید سلطانی بعد از سریال پس از باران «جوانی» را کار کرد و بعد آمدیم سراغ خانه‌ای در تاریکی. نقشم در خانه‌ای در تاریکی با این‌که خیلی بلند هم نبود اما بسیار سخت و دشوار بود. آقای سلطانی اصرار داشت ما دیالوگ‌ها را به لری بگوییم. شب‌ها دیالوگ‌ها را با نوار کاست به لری گوش می‌دادیم و می‌نوشتیم تا حفظ کنیم. برای خودم آموزش زبان انگلیسی راحت‌تر بود. البته همان موقع به آقای سلطانی می‌گفتم فهم این دیالوگ‌ها برای مخاطبانی که بالری آشنایی ندارند، سخت خواهد بود. در نهایت هم دیدیم که زمان پخش سریال، زیرنویس فارسی گذاشته بودند. در الیگودرز بازی داشتیم و واقعا شرایط در کوه و کمر سخت بود اما خوشبختانه سریال خوبی از آب درآمد.

[۲] از ازدواج شما و آقای پاک‌نیت بیش از ۴۰ سال می‌گذرد. از سوی دیگر، جدایی و طلاق در میان بازیگران معمولا بیشتر از حد معمول جامعه است. راز ماندگاری ازدواج و خوشبختی‌تان در چیست؟

شاید علتش به تربیت تئاتری ما برمی‌گردد. به کارمان باور داشتیم. شوهرم عاشق کارش است و از همان روز اول و پیش از ازدواج این را به من گفت. وقتی هم پای ایشان به سینما باز شد کار ما سخت‌تر شد، چراکه بین شیراز و شهرهای دیگر مخصوصا تهران در رفت و آمد بود. تا بالاخره ۲۸ سال قبل آمدیم تهران و شرایط مان بهتر شد. یادم هست که وقتی ایشان سریال پدرسالار را بازی می‌کرد ما هنوز در شیراز بودیم و هشت ماه بین تهران و شیراز در رفت و آمد بود. در همه زندگی‌ها مشکلاتی وجود دارد اما مهم نحوه برخورد با این مشکلات و چالش‌هاست. خودم در زندگی زیاد گذشت کرده‌ام. البته گاهی هم غر زده‌ام! ممکن است خودم چند سال کار نکنم اما همین‌که می‌بینم همسرم فعالیت بی‌حاشیه دارد، برام کافی است. موفقیت همسرم چه به لحاظ مادی و چه معنوی برای منم هست.

[۳] همسر یک بازیگر بودن به لحاظ حرفه‌ای برای‌تان فرصت بوده یا تهدید؟ منظورم این است که آیا مثلا پیش آمده بخوانند نقشی را به شما بدهند و چون همسران هم حضور داشته، منصرف شده باشند؟

به کلام که نگفته‌اند اما شاید هم اتفاق افتاده باشد. برای سریال پس از باران آقای پاک‌نیت گفته بود یا من باشم یا خانم. ما تا به حال بچه‌های مان را تنها نگذاشته‌ایم و برای مان دشوار است که خانه و زندگی را رها کنیم و هر دو به شمال بیاییم. به عبارت دیگر، خود آقای پاک‌نیت پنبه مرا زده بود (می‌خندد!) اما خواست خدا و اصرار دوستان باعث شد راضی شویم و شروع به کار کنیم. هر ۲۵ روز یک بار به تهران می‌آمدیم و من فقط در آشپزخانه بودم که همه چیز برای بچه‌ها مهیا باشد. به شوخی به دوستان می‌گفتم وقتی به سر کار برمی‌گردم فقط بوی غذا می‌دهم. الان که آن خاطرات را مرور می‌کنم برام شیرین است.

[۴] همکار بودن زن و شوهر را به‌ویژه در بازیگری، مزیت و باعث پیشرفت می‌دانید؟

به توانایی‌های خودشان بستگی دارد. برای خودم پیش آمده که چون آقای پاک‌نیت سر کار بوده به خاطر بچه‌ها، نقش جدید نپذیرفته‌ام. اگر برنامه‌ریزی درستی داشته باشند، مشکلی پیش نمی‌آید. همسر یک بازیگر بودن برای من به لحاظ حرفه‌ای سود و منفعتی نداشته است. خودم با وجود سن کم در تئاتر خیلی موفق بودم. اساتید تئاتر تهران مرا می‌شناختند. آقای پاک‌نیت یک بار هم واسطه گرفتن نقشی برای من نشده است. یک بار زنده‌یاد حمیده خیرآبادی سر سریال «کهنه‌سوار» از آقای پاک‌نیت پرسیده بود چرا همسرت را که بازیگر است، معرفی نمی‌کنی؟ آقای پاک‌نیت گفته بود من چنین کاری نمی‌کنم. اگر می‌خواهند خودشان بروند و با همسر صحبت کنند. بارها گفته‌ام اگر آقای پاک‌نیت بدانند برای فلان نقشی که کاملا به من می‌خورد دنبال بازیگر هستند، حاضر نیست حرفی بزنند. البته این اصلا چیز خوبی هم نیست. (می‌خندد!)

از ازدواج مهوش صبرکن و محمود پاک‌نیت بیش از ۴۰ سال می‌گذرد و این دو بازیگر زندگی مشترک و حرفه‌ای بدون حاشیه و سراسر موفقیت را پشت سر گذاشته‌اند. صبرکن که متولد شیراز است و از دوره دبیرستان به شکل حرفه‌ای تئاتر را دنبال کرده تا به امروز در سریال‌های خاطره‌انگیز و ماندگاری از جمله پس از باران، خانه‌ای در تاریکی، جراحات، کهنه‌سوار، روشن‌تر از خاموشی، یوسف پیامبر، پنجمین خورشید و پشت کوه‌های بلند به ایفای نقش پرداخته و مخاطبان قاب کوچک از بازی‌های او در این آثار نمایشی و به‌ویژه نقش طاهره (مادر خانم پس و فرخ) در سریال پس از باران خاطره‌های بسیاری دارند. سریالی که برای خود این بازیگر پیشکسوت هم جایگاه ویژه‌ای دارد و از جمله بهترین تجربه‌هایش به‌شمار می‌رود. صبرکن در این گفت‌وگو از سال‌ها فعالیتش در بازیگری و علت کم‌کاری‌اش در دو سه سال اخیر می‌گوید و راز ماندگاری پیوندش با محمود پاک‌نیت و موفقیت‌های‌شان را در زندگی شخصی و حرفه‌ای بازگو می‌کند.

زهراصلواتی



روزنامه نگار



[۴] با نگاهی به کارنامه شما متوجه می‌شویم دو سه سالی می‌شود که کم‌کار هستید. دلیل خاصی دارد؟

بله، موردی نبوده یا اگر هم پیش آمده، فیلمنامه خوبی نداشته است یا به دلایلی برای بستن قرارداد به توافق نرسیده‌ایم. مشکلات و معضلات بازیگران زیاد شده است.

[۴] خب با این وضعیت امرار معاش برای‌تان سخت نمی‌شود، زیرا فقط این تنها راه منبع درآمدتان است؟

مگر می‌شود سخت نشود. زندگی برای امثال من که درآمدشان فقط از بازیگری است، واقعا سخت می‌گذرد. ما که مثل بعضی از بازیگران درآمد‌های جانبی مثل رستوران و کافی‌شاپ نداریم. البته من و همسرم، آقای پاک‌نیت بازنشسته اداره تئاتر هستیم اما حداقل حقوق را می‌گیریم. این روزها هم پایم شکسته و جراحی کرده‌ام و فعلا در خانه دوران نقاهت را سپری می‌کنم.

[۴] شما در تمام این سال‌ها نقش‌های متفاوتی را در تلویزیون بازی کرده‌اید. چقدر وقت برای تماشای تلویزیون می‌گذارید؟

خیلی، از صبح تا شب. این روزهایم را با دیدن تلویزیون، مطالعه و گل و گلکاری می‌گذرانم. تلویزیون را خیلی دوست دارم. تلویزیون مثل یک دانشگاه است. چیزهای آموزنده زیادی دارد که در زندگی انسان مؤثر است.

[۴] طی سال‌های گذشته شاهد بازی شما در سریال‌های خاطره‌انگیزی مثل پس از باران، یوسف پیامبر، پنجمین خورشید، خانه‌ای در تاریکی، جراحات و... بوده‌ایم. کدام یک از این سریال‌ها برای خودتان محبوبیت بیشتری دارد؟

من از دوران دبیرستان در شیراز تئاتر حرفه‌ای کار می‌کردم و با استادانی کار کرده‌ام که همگی متخصص و باسواد بودند. به همین دلیل یاد گرفته‌ام که نقشم را دوست داشته باشم حتی اگر در میانه



تلویزیون را خیلی

دوست دارم. تلویزیون

مثل یک دانشگاه است.

چیزهای آموزنده زیادی

دارد که در زندگی انسان

مؤثر است

راه احساس کنم که نقش مناسبی نیست و ای کاش قبول نکرده بودم. همه نقش‌هایم را دوست دارم و نمی‌توانم تمایزی بین آنها قائل شوم. اصولا خیلی هم پرکار نبوده‌ام. وقتی درباره نقش‌هایم با مردم صحبت می‌کنم و می‌بینم هرکدام از این نقش‌ها جایگاه خود را دارد. با این حال، سریال پس از باران برام جایگاه ویژه‌ای دارد، به خصوص که آن زمان تازه از شیراز به تهران مهاجرت کرده بودیم و آقای پاک‌نیت ماه‌ها از خانه دور بود و باید اوضاع زندگی و بچه‌ها را مدیریت می‌کردم. البته خودم هم در این سریال نقش داشتم. سریال پس از باران یک شروع خوب در بازیگری‌ام پس از مهاجرت به تهران بود و به همین دلیل، جایگاه ویژه‌ای برام دارد. پس از آمدن به تهران سریال «کهنه‌سوار» را هم بازی کرده بودم اما سر و صدایی که پس از باران ایجاد کرد، چیز دیگری بود، یک سریال خاص و نقطه عطفی در بازیگری‌ام.

[۴] یکی از نکات جالب پس از باران این بود شما با وجودی که هفت سال از آقای پاک‌نیت کوچک‌تر هستید اما نقش مادرزن او را در

سریال بازی می‌کردید. برای‌تان مسأله‌ای نبود؟

به هر حال ما بازیگر هستیم. من در شیراز نقش یک پیرزن گوشت‌پز را در نمایش فانوس دریایی بازی می‌کردم. بازیگر دوست دارد نقش‌های متفاوت را تجربه کند، به‌ویژه آنها که سابقه تئاتری دارند. زمان تصویربرداری سریال پس از باران خیلی جوان بودم. گریمر خیلی تلاش می‌کرد و ترفند می‌زد روی صورت‌م تا سنم بالا برود. البته خودم هم خیلی سعی کردم نقش را خوب دربیاورم. روزی که نقش



برای خواندن متن کامل کپورآرکدر اسکن کنید